

کاربست اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباط کریم (رباط کهنه))

سید علی صفوی - عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس تهران
محمود رضایی - عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
مژگان سعادت‌مندی - دانشجوی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۲۱

چکیده

در پژوهش حاضر به این مقوله پرداخته می‌شود که چگونه می‌توان به کمک اصول شهرسازی مدرن مانند نوشهرگرایی، محله‌ای خوداتکا برای شهرها طراحی کرد تا پاسخگوی نیازهای امروز مردم باشد. همچنین به این مسئله توجه می‌شود که این اصول تا چه اندازه با شهرسازی ایرانی-اسلامی سازگار است؟ هدف از مطالعه حاضر، بررسی امکان به‌کارگیری اصول نوشهرگرایی در سازگاری با اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی در طراحی و احیای محله‌های امروز است. پژوهش پیش‌رو اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا به کمک آن می‌توان از اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی هم‌پای اصول نوشهرگرایی برای بهبود محله‌های مسکونی ایران - مانند نمونه موردی محله تاریخی رباط کریم - استفاده کرد. بدین منظور از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای در حوزه شهرسازی ایرانی-اسلامی و بحث‌های شهرسازی معاصر، همچنین پژوهش‌های میدانی استفاده شد. سپس شناسه‌های سنتی شهر ایرانی-اسلامی از نظر محتوایی با اصول نوشهرگرایی مقایسه و تطبیق داده شد. نتیجه اینکه ایده‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی فرای کالبد و زمان است و انگاره‌های نوین شهرسازی امروز را به خوبی دربرمی‌گیرد. محله‌های شهرهای تاریخی ایران در گذشته براساس اصول و قواعدی شکل گرفته‌اند که امروزه در شعارهای یکی از مطرح‌ترین نهضت‌های طراحی شهری در جهان یعنی نوشهرگرایی مشاهده می‌شوند؛ بنابراین می‌توان از این اصول برای طراحی محله‌های جدید و احیای محله‌های قدیمی ایران استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: پیاده‌مداری، جنبش نوشهرگرایی، خوداتکا، شهرسازی ایرانی-اسلامی، محله.

مقدمه

هدف پژوهش حاضر دستیابی به رهیافت‌هایی برای بازطراحی یکی از محله‌های مسکونی ایرانی به کمک مفاهیم و معیارهای روز جهانی مانند نوشهرگرایی، در کنار اصول سنتی شهرسازی ایرانی-اسلامی است. طی سال‌های اخیر، در پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه نوشهرگرایی، معمولاً به اصول کلی گوناگونی توجه شده که به تدریج تکمیل و نقد شده‌اند تا تنها بر توسعه‌های جدید تأکید نشود (استیت اوایل، ۲۰۰۴) و (کلیف ایس و سایننا دیتریک، ۲۰۰۴). همچنین صاحب‌نظران اصول گوناگونی را برای شهرسازی ایرانی-اسلامی دسته‌بندی کرده‌اند که گاهی کالبدی و معطوف به دوره گذشته است و توصیفاتی از آن مانند قرارگیری مسجد، بازار و برج و بارو ذکر شده است (ابولقد، ۱۹۸۷: ۱۵۸؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۵). البته در این میان برخی صاحب‌نظران بر جنبه‌های غیرکالبدی و فرازمانی تأکید داشته‌اند و نقش این اصول را در جامعه امروز پررنگ کرده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷ و رضایی، ۱۳۹۲).

الیس و دیتریک (۲۰۰۴) به بررسی تجربه‌های نوشهرگرایان در احیای محله‌های قدیمی شهر پیتسبرگ^۱ پرداختند و راهبردهای صرف نوشهرگرایی را در مناطق حومه‌ای یا توسعه‌یافته جدید نقد کردند. آن‌ها چهار نمونه از تجربه‌های موفق نوشهرگرایان را در زمینه احیای بافت‌های قدیمی شهر ارائه دادند که به نوسازی و بازسازی محله‌های نیویورک^۲، اکلند^۳، گرافورد^۴ و منچستر^۵ مربوط است. در این پژوهش، به منظور نوسازی و بازسازی محله‌ها بر اصل «ایجاد مسکن متنوع» تأکید شده و در محله نیویورک از اصل «قابلیت پیاده‌روی» استفاده شده است.

هدف این مطالعه آن است که اصول نوشهرگرایی معاصر را با چکیده‌ای از اصول و شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی مقایسه کند تا از مجموع نتایج آن برای بازسازی و نوسازی محله قدیمی رباط‌کریم (رباط کهنه) استفاده شود. شهرستان رباط‌کریم در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی استان تهران واقع شده و به دلیل اینکه بر سر راه «جاده ابریشم» و راه زیارتی «خراسان به بغداد» قرار گرفته است، اهمیتی دیرینه دارد و بسیار مورد توجه است؛ از این رو کهن‌ترین و بی‌ماندترین کاروانسراهای ایران (کاروانسرای سنگی، کاروانسرای حاج کمال یا فتحعلی شاهی و...) همچنین مسجد جامع و یکی از دو امامزاده قدیمی شهرستان (امامزاده محمدتقی (ع)) در این منطقه ساخته شده است (طرح هادی شهر رباط‌کریم، ۱۳۹۰: ۷). در این پژوهش، از اصول نوشهرگرایی همگام با شهرسازی ایرانی-اسلامی از جمله قابلیت پیاده‌روی، ارتباط‌پذیری، کاربری مختلط و مسکن متنوع استفاده شده است تا جریان زندگی به این محله باارزش و قدیمی بازگردانده شود. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که شهرسازی ایرانی-اسلامی با پویایی و غنای فراوان خود، اصول شهرسازی مدرن و معاصر را پوشش می‌دهد؛ به شرطی که از جنبه‌های فراکالبدی و پویا به آن نگریسته شود. برخلاف اصول شهرسازی مدرن که بازنگری‌های تکمیلی آن انجام می‌شود، ضروری است صاحب‌نظران در عمل و نظر به جنبه‌های پرمایه شهرسازی ایرانی-اسلامی برای توسعه شهرهای کشور بیشتر توجه کنند.

مبانی نظری

جریان نوشهرگرایی

نوشهرسازی که با معادل‌هایی مانند نوشهرگرایی، شهرگرایی جدید یا شهرسازی جدید شناخته می‌شود، جنبشی متضاد مدرنیسم است که از دهه ۱۹۸۰ مطرح شده و توسعه شهرها را در حومه در برابر ایجاد مجتمع‌های سکونت مبنی بر

1. Pittsberg
2. New Birmingham
3. Oakland
4. Grawford
5. Manchester

ساختار سنتی محله‌های مسکونی به چالش کشیده است. درحقیقت این مفهوم با تأکید بر توسعه درون‌زا، پایدار و پیاده-محور در تقابل با مدرنیسم عمل می‌کند که حومه، اتومبیل را مطرح می‌کند، عمل می‌کند. (آرندت، ۱۳۸۷).

«آنچه نوشهرگرایی، شهرگرایی نوین، شهرگرایی جدید و... نامیده می‌شود، حاصل چاره‌اندیشی شهرسازان معاصر آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۸۰ برای غلبه بر رشد پراکنده و پاشیدگی شهرهای آمریکاست. امروزه نوشهرگرایی واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه مؤثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود. نوشهرگرایی با تأکید بر خصوصیات کالبدی سنتی در پی رسیدن به درس‌هایی از شهرگرایی سنتی برای یافتن راه‌حلی در پاسخ به دغدغه‌های منطقه‌ای و شهری معاصر است» (دوانی و زیبرک، ۲۰۱۰: ۹۶). «جنبش نوشهرگرایی به معنای دقیق کلمه واکنشی است نسبت به گسترش افقی در حومه شهرها و هزینه‌های غیرپایدار آن» (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶۵). هزینه‌های غیرپایدار که بر شهر تحمیل می‌شود، شامل «زوال غیرعادی محله‌هایی که زمانی با افتخار خودنمایی می‌کردند، از خودیگانگی روزافزون بخش اعظمی از جامعه، افزایش مستمر نرخ جرم و جنایت و تنزل گسترده زیست‌محیطی» است (کتر، ۱۹۹۴ به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۸۷).

«محله، ناحیه و محورهای شهری، عرصه مورد مطالعه نوشهرگراهاست. در تعریف آن‌ها، محله‌ها، زیرتقسیماتی از شهرند که ترکیبی متعادل از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهند. درحالی‌که ناحیه‌های شهری، فعالیت‌های خاص و تخصصی را تأمین می‌کنند» (هیکیچی، ۲۰۰۳: ۱۴۶). «توسعه واحدهای همسایگی سنتی» نظریه‌ای مهم در این زمینه است که نخستین بار دوانی و زیبرک آن را مطرح کردند. آن‌ها به محله‌هایی فشرده با کاربری مختلط و اولویت عابر پیاده و مناطقی با موقعیت مناسب و کریدورهای کارکردی و زیبا معتقدند که می‌توان به کمک آن‌ها محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت را در قالب کلیتی پایدار و ماندنی انسجام بخشید. نوشهرگرایی معتقد است که بازگشت به الگوی محله‌های سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا لازم است و توسعه سنتی محله‌ها در کانون توجه آن قرار دارد. اگرچه در زمینه توسعه‌های مسکونی جدید به‌وجود آمده، همواره بر توسعه‌های درون بافت و اصلاح بافت‌های موجود تأکید کرده است و مخالف گسترش بیش‌ازحد و اندازه شهر و در نتیجه هدررفت زمین است» (انجمن برنامه‌ریزی آمریکا، ۲۰۰۰: ۱۵).

«هدف نوشهرگرایی خلق یک محیط مناسب در مقیاس انسانی است که پاسخگو به تحولات و پیشرفت‌های مدرن شهری و توسعه‌ای در راستای اهداف توسعه پایدار باشد» (کستر، ۲۰۰۷). از مهم‌ترین فعالان نهضت نوشهرگرایی از ابتدای شکل‌گیری آن می‌توان به دوانی،^۱ پلاتر زیبرک،^۲ کالتورپ،^۳ سالمون،^۴ پولیزوید^۵ و مول^۶ اشاره کرد که سه نفر نخست نقش بسیاری در گسترش این نهضت داشته‌اند (حلمی اسکویی، ۱۳۸۷: ۱۸).

در نهضت نوشهرسازی، مجموعه‌ای از ساختمان‌های مسکونی با سبک معماری نئوسنتی^۷ براساس اصول و دستورالعمل‌های طراحی شهری با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا محله‌هایی با تراکم نسبتاً بالا، قابل پیاده‌روی و دارای کاربری مختلط و متنوع شکل بگیرند. اگرچه نوشهرسازی مفهومی است که در ارتباط با توسعه‌های جدید مسکونی شکل گرفته است همواره بر توسعه درون بافت^۸ تأکید دارد. این نهضت با به‌کارگیری آمیزه‌ای از سبک‌های معماری، توسعه هوشمند^۹ مقابله با توسعه پراکنده، شهرسازی پایدار، تأکید بر حمل‌ونقل عمومی و تردد پیاده، نهضتی قدرتمند در هدایت توسعه شهری در همه مقیاس‌هاست (مارشال، ۲۰۰۳: ۱۸۹).

1. Duany
2. PlaterZyberk
3. Calthorpe
4. Solomon
5. Polyzoides
6. Moule
7. neo-traditional
8. infill development
9. smart growth

حلمی اسکویی (۱۳۸۷) درباره منشور نوشهرگرایی می‌نویسد، مهم‌ترین سندی که به تشریح محتوای نظری جنبش نوشهرگرایی می‌پردازد، منشور آن است که در سال ۱۹۹۶ میلادی و پس از برگزاری چهارمین گردهمایی سالانه انجمن نوشهرگرایی به‌عنوان منشور نظری نوشهرگرایی ارائه شد. همچنین می‌توان آن را بیانیه‌ای درمقابل منشور آتن دانست که در آن دیدگاه مدرنیستی به شهرسازی و معماری در کنگره بین‌المللی معماران مدرن (سیام) مطرح شده است. در این منشور، تمامی سطوح قابل بررسی مرتبط با اجتماعات انسانی از قبیل بلوک، خیابان، ساختمان، محله، بخش و محور شهری تا منطقه، کلان‌شهر، شهر و شهرک بررسی می‌شود و هیچ‌یک از ذهن دور نمی‌ماند. با این حال، توسعه در مرزهای موجود شهرها را در مقابل توسعه پراکنده پیشنهاد می‌کند. خلیلی (۱۳۸۳) نیز می‌نویسد: منشور نوشهرگرایی را باید بسطی از نظریه توسعه پایدار دانست. مروری بر متن این منشور نشان می‌دهد شعار جهانی «بیندیشیم و محلی عمل کنیم» به‌وضوح در آن نمایان است. آنچه تاکنون در اساس جریان نوشهرگرایی مطرح شده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مهم‌ترین اصول نوشهرگرایی

رد	اصول نوشهرگرایی	تعریف	نظریه پردازان
۱	قابلیت پیاده‌روی ^۱	قرارگیری خدمات و نیازمندی‌ها در فاصله ۱۰ دقیقه پیاده‌روی از منزل و محل کار، طراحی خیابان‌های دوستدار پیاده	
۲	ارتباط‌پذیری و تداوم ^۲	شبکه به‌هم‌پیوسته خیابان‌ها، سلسله‌مراتبی از خیابان‌های کم‌عرض، بولوارها و کوچه‌ها، قلمرو عمومی و شبکه باکیفیت عابر پیاده	
۳	کاربری‌های مختلط و متنوع ^۳	مجموعه‌ای از مغازه‌ها و دفاتر کار در یک محله، بلوک یا ساختمان و طیف متنوعی از اقسار گوناگون از سنین متنوع با درآمدهای گوناگون و فرهنگ‌های مختلف	
۴	مسکن‌های مختلط ^۴	طیف متنوعی از مسکن‌های گوناگون با مساحت‌های متنوع و قیمت‌های متفاوت در کنار هم و در نزدیکی یکدیگر	
۵	معماری و طراحی شهری باکیفیت ^۵	تاکید بر زیبایی، تناسب، آسایش انسانی، ایجاد حس مکان به‌ویژه در مکان‌های عمومی، معماری با مقیاس انسانی و فضاهای زیبا	دوانی، پلاتر
۶	ساختار سنتی محله‌ها ^۶	داشتن لبه و مرکز مشخص، قرارگیری فضاهای عمومی در مرکز، اهمیت کیفیت قلمرو عمومی و شامل شدن طیفی از کاربری‌ها و تراکم‌ها در فاصله ۱۰ دقیقه پیاده‌روی	زیبرک، کالتورپ، سالمون، پولیزوید، مول، مارشال، آرندت
۷	تراکم افزایش‌یافته ^۷	قرارگیری ساختمان‌های مسکونی کنار یکدیگر، وجود فروشگاه‌ها و خدمات عمومی برای آسان کردن پیاده‌روی، اصول طراحی نوشهرگرایی برای طیف کاملی از تراکم‌ها از شهرهای کوچک تا شهرهای بزرگ	
۸	حمل‌ونقل هوشمند ^۸	شبکه‌ای از قطارهای شهری با کیفیت بالا که شهرهای کوچک، بزرگ و شهرهای همسایه را به یکدیگر متصل می‌کند، طراحی دوستدار عابر پیاده و استفاده از دوچرخه، اسکوتر و...	
۹	پایداری ^۹	کاهش آثار توسعه بر محیط، فناوری‌های دوستدار طبیعت، احترام به محیط‌زیست و ارزش سیستم‌های طبیعی، کارایی انرژی و استفاده کمتر از منابع محدود، تولید محلی و پیاده‌روی بیشتر، راندگی کمتر	
۱۰	کیفیت زندگی ^{۱۰}	بهره‌گیری از تمام موارد فوق برای رسیدن به زندگی ارزشمند و باکیفیت و خلق مکان‌هایی که در آن‌ها روح بشر غنی شود و ارتقا یابد.	

منبع: Cnu and Hud, 2000 ; Arendt, 1999 ; Steuteville, 2004

1. Walkability
2. Connectivity
3. Mixed Use and Diversity
4. Mixed Housing
5. Quality Architecture and Urban Design
6. Traditional Neighborhood Structure
7. Increased Density
8. Smart Transportation
9. Sustainability
10. Quality of Life

شهرسازی ایرانی-اسلامی

شهر اسلامی به‌ویژه از اوایل قرن بیستم، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات اندیشمندان و پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان یافته است. در بسیاری از آیات، روایات، متون اسلامی و آثار مکتوب پژوهشی نیز به ابعاد چپستی‌شناسی (ماهوی) و هستی‌شناسی (وجودی) این شهر توجه شده است. در این میان، شهر ایرانی با قدمتی بسیار کهن، قابلیت گسترده‌ای برای پژوهش و تتبع پژوهشگران دارد؛ از این‌رو این دو شهر سرچشمه‌های ارزشمند دانشی هستند که می‌توان در معماری مدرن امروز از آن استفاده کرد.

شهر مجموعه‌ای زنده از تمام اموری است که ارتباطی مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان دارد؛ بنابراین توجه به همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، زمانی، مکانی و تاریخی آن ضروری است. از سوی دیگر، این ویژگی‌ها در شهر ایرانی-اسلامی باید در زمینه و بستر ایرانی و بر پایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شود. این شهر متشکل از مبانی و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی، برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها برگرفته از تعالیم اسلامی، و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی هستند که با آن‌ها در تضاد و تناقض نیستند (بمانیان، ۱۳۹۳: ۷۷).

شهر ایرانی زمانی با صفت اسلامی همراه می‌شود که براساس تعالیم اسلامی شکل بگیرد، در خدمت انسان باشد و در عین پاسخگویی به نیازهای مادی او، وی را به سوی تعالی و ارزش‌های اسلامی هدایت کند. صفت ایرانی برای شهر نیز بیانگر مصداق مکانی‌بودن آن است. شهر ایرانی-اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی در پهنه و گستره ایران است. یکی از شاخص‌های هویت‌دهنده به این شهر، مقوله مدیریت آن است که حفظ شأن و مرتبه انسان‌ها در سازمان و جامعه و به دنبال آن تعالی و رشد آن‌ها در مسیر الهی مدنظر آن است (همان: ۸۶).

پیرنیا (۱۳۷۱) به اصولی از قبیل مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی، همچنین خودبسندگی، درون‌گرایی و نیارش در معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی اشاره کرده است. از دیدگاه حبیبی (۱۳۹۰) تمایزات میان مکتب اصفهان^۱ در شهرسازی و تئوری‌های نوشهرگرایی و هسته‌های سازمند شهری^۲، کم‌وبیش مورد توجه است و موضوعاتی مانند «حمل‌ونقل و ارتباطات»، «فشردگی بافت (توسعه میان‌افزا)»، «تراکم جمعیتی و ساختمانی»، «انرژی»، «زمان سفر» و...، در ظاهر امر عوامل بروز تفاوت‌ها و گاه تعارضاتی میان این دو جریان، و نشانگر عدم هم‌زمانی این جریان‌ها هستند. در نظریه‌های جهانی، کم‌وبیش بر اختلاط کاربری‌ها و الگوهای ترکیبی مسکن تأکید شده است. محافظت از فضاهای باز و سبز و تشویق به افزایش تراکم در بافت به‌جای پراکنده‌رویی، ایجاد بسترهای لازم برای ارتقای مشارکت حقیقی ساکنان و بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی در کنار حفظ و تقویت ساختارهای سنتی از مواردی هستند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان اصول و قواعد شهرسازی بومی مطرح کرد (همان: ۱۸-۱۹). لطیفی و صفری (۱۳۹۲) مفاهیم محله را در مکتب اصفهان و جنبش نوشهرگرایی مقایسه کردند و شاخص‌ها و معیارهایی را در طراحی محله‌های ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی پیشنهاد دادند که عبارت‌اند از: پیوستگی فضایی، وحدت و تنوع فضایی، سلسله‌مراتب، تأکید بر روابط اجتماعی و اهمیت‌دادن به مفهوم محله.

نقی‌زاده (۱۳۸۵) نیز اصول غیرکالبدی دیگری مانند توحید، عبادت، تقوا، هدایت، ذکر و تفکر، عدالت، اصلاح، شکر،

۱. مکتب اصفهان عنوانی است که برای اوج‌گیری فعالیت‌های مختلف فلسفی، فقهی و هنری طی سده ۱۷ و اوایل ۱۸ میلادی (۱۰ و ۱۱ هجری قمری) در اصفهان کاربرد داشت.

۲. هم‌زمان با نهضت بازآفرینی شهری، مفهوم هسته‌های سازمند شهری به‌منظور خلق توسعه‌های شهری مبنی بر کاربری مختلط پیاده‌محور و بر مبنای مقیاس پایدار، به مهم‌ترین شکل توسعه تبدیل شدند (Caves, 2005).

عبرت، امنیت، احسان و میانه‌روی در این شهرسازی را تحلیل کرده است. رضایی (۱۳۹۲) به دسته‌بندی جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی این شهرسازی پرداخته و در نهایت چهار اصل کلی را با راهبردهای جزئی استخراج کرده است که عوامل مختلف را پوشش می‌دهند. اصل اول «پایداری با عدالت» شامل راهبردهایی مانند شیوه توزیع و استقرار متوازن عناصر شهری یعنی مسجد، بازار و میدان مقابل آن، خانه‌ها، کاروانسراها، محله و مرکز محله در بافت شهر است. اصل دوم «وحدت در عین کثرت» است که راهبردهایی مانند رشد تدریجی، منسجم و مشابه و متمایز محله‌ها، همچنین بهره‌گیری از موارد متکثر و وحدت‌بخشی از قبیل عرف، مشارکت گروهی و مردمی در توسعه شهری را دربرمی‌گیرد. اصل سوم «تضاد در عین تکامل» است که الگوی توسعه سادگی در عین پیچیدگی فضایی، تنوع و تلفیق کاربری‌ها، تکامل درون با بیرون، ترکیب غنی فضای باز (میدان/ جلوخان) با بسته (مسجد/ خانه)، توجه به حریم و حرمت، ترکیب متناسب قلمروهای خصوصی و عمومی، تنوع ارتفاع، توجه به مرکز و پیرامون، محصوریت در عین خودکفایی و غنا را شامل می‌شود. اصل پایانی با عنوان «انعطاف‌پذیری منطقی» شامل تمام راهبردهایی است که از الگوهای گوناگون اجتماعی و فرهنگی منطبق با شرایط بومی استفاده می‌کند. ترکیب و تناسب یا سازگاری با الگوهای فوق و تطابق شهر با سکونتگاه‌های محیط اطراف از جمله این موارد است (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۷۷).^۱

جدول ۲. شناسه‌های فراکالبدی شهر ایرانی-اسلامی

صاحب‌نظر	نمونه هم‌آمیزی	شناسه‌های کالبدی شهر ایرانی-اسلامی	رده
ویلیام و مارسز، ریموند، وبر، برانشوینگ، نقره‌کار، نقی‌زاده	شیوه توزیع اجزای شهر و ارتباط آن‌ها با یکدیگر مانند ترکیب مسجد، بازار و میدان مقابل آن، تنوع راسته‌های بازار، جانمایی خانه های مسکونی، کاروانسراها، محله‌ها، ساختار منسجم محله براساس مسجد، صدای اذان و مرکز محله	پایداری با عدالت	۱
سلیم حکیم، مارسز، بورکهارت، نقره‌کار، نقی‌زاده	رشد گام‌به‌گام بافت، بافت مجزا و در عین حال واحد محله‌ها، نقش مشارکت مردمی و عرف در توسعه شهر، جهت‌یابی فضایی براساس محوربندی، تمرکز، سلسله‌مراتب، مستقل بودن، روان بودن، تناسب مقیاس کلان‌شهری و بیرون‌شهری با مقیاس ریز درونی شهر و معماری	وحدت در عین کثرت	۲
برانشوینگ، بورکهارت، ریموند، نقی‌زاده	درون/ بیرون، زن/ مرد، پنهانی/ همگانی، بلند/ کوتاه، سایه/ روشن	تضاد در عین تکامل	۳
کوهن، وبر، ایرالپیندوس، کندی، نقی‌زاده	انطباق منطقی الگوهای مختلف اجتماعی و بومی، رعایت مصالح و ویژگی‌های اقلیمی-فرهنگی، بهره‌گیری‌های اکولوژیکی و بومی، تطابق شهر با سکونتگاه‌های محیط اطراف	انعطاف‌پذیری منطقی	۴

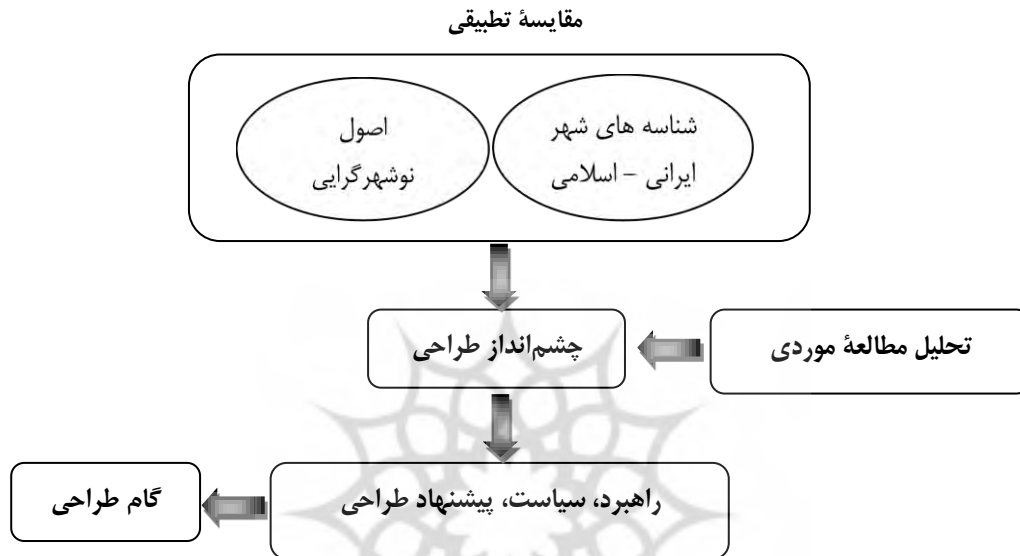
منبع: رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۷

روش پژوهش

مطالعه حاضر درباره قابلیت و شیوه به‌کارگیری اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی در کنار اصول نوشهرگرایی در دوره معاصر است. براساس فرضیه پژوهش، ایده‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی فراکالبدی و فرازمانی هستند؛ از این رو اصول نوین شهرسازی امروز را دربرمی‌گیرند و برای بهبود محله‌های امروزی کاربرد دارند. برای سنجش این موضوع، ابتدا اصول نوشهرگرایی و شهرسازی ایرانی-اسلامی خلاصه شد (جدول ۱ و ۲) و سپس مقایسه و ترازبندی آن براساس

۱. رضایی از واژه‌های پارسی «پایداری با دادگستری»، «یگانگی با گونه‌گونی»، «پرمایگی با ناهمگونی» و «سازش‌پذیری با خردورزی» برای اصول خود استفاده کرده که با هماهنگی با ایشان واژه‌های این مقاله برابرسازی شده است.

محتوا صورت گرفت (جدول ۳). اصول هم‌تراز نیز پس از تحلیل نمونه موردی در طراحی آن استفاده شد (جدول ۴)؛ بنابراین پژوهش حاضر کیفی است که با مقایسه و تطبیق انجام شده است. هم‌پوشانی اصول بومی-سنتی با اصول نوین شهرسازی از دیدگاه صاحب‌نظران مرتبط در این دو جریان فکری با هدف کاربردی و اجرا در نمونه موردی انجام شد. در تحلیل مطالعه موردی علاوه بر برداشت‌های میدانی، از منابع دست‌اول نیز استفاده شد. در تحلیل موردی، فرایند طراحی شهری ماتین با اعمال تغییراتی برای مناسب‌سازی روش (شناخت، چشم‌انداز، راهبرد، سیاست و ارائه طرح مفهومی و پیشنهادی به کار گرفته شد^۱ (ماتین، ۱۹۹۹).



شکل ۱. روند پژوهش
منبع: نگارندگان

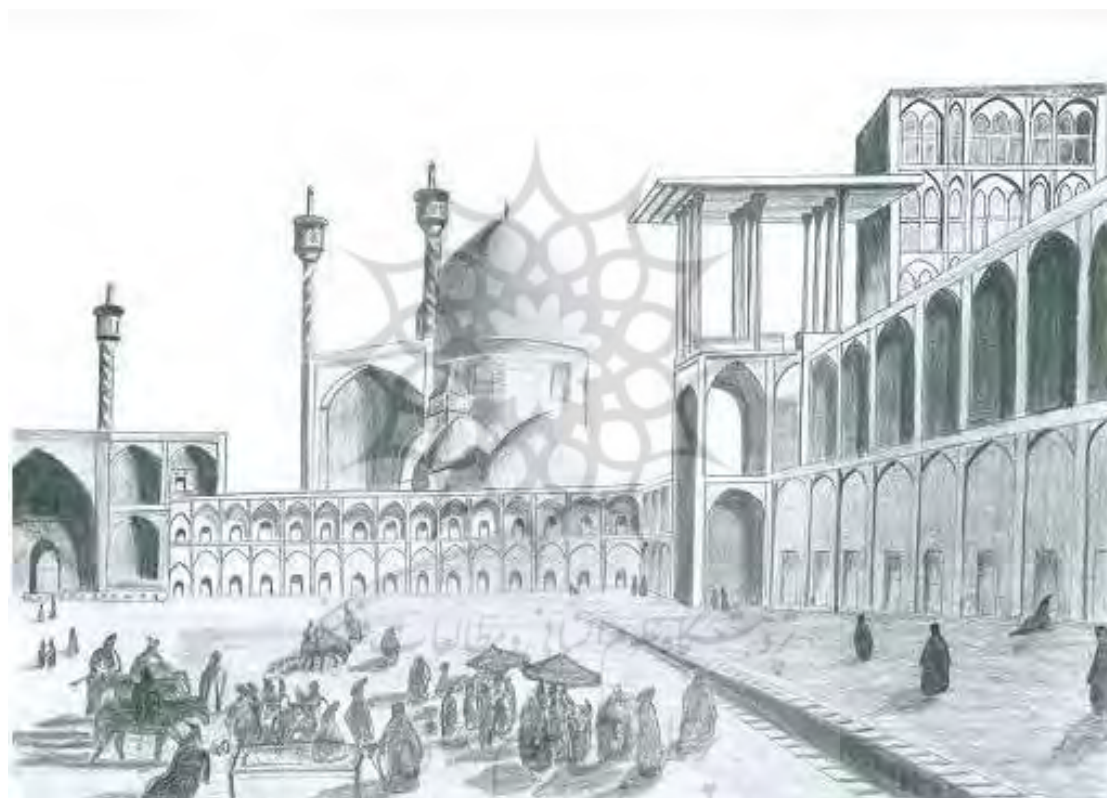
بحث و یافته‌ها

تعمق در اصول جریان نوشهرگرایی (جدول ۱) و شهرسازی ایرانی-اسلامی (جدول ۲) نشان می‌دهد این اصول به‌صورت کلی و فراگیر عمل می‌کنند تا راهبردها و سیاست‌های اتخاذی آن‌ها با توجه به مقتضیات زمانی-مکانی افزایش یابد. در نتیجه پارهای از آن‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی، یا با توجه به تفسیر معنا، راهبردهای گوناگونی را شامل می‌شوند. برای مثال، دو اصل «معماری و طراحی شهری باکیفیت» و «کیفیت زندگی» که از اصول ۵ و ۱۰ نوشهرگرایی در جدول ۱ هستند، می‌توانند ۸ اصل دیگر را در خود جای دهند. به بیان دیگر، دستیابی به سایر اصول رسیدن به این دو اصل را ممکن می‌کند. نمونه دیگر در اصول جدول ۲ قابل مشاهده است. فهم و تفسیر اصل «وحدت در عین کثرت» و «تکامل در عین تضاد» ممکن است سبب شود تا راهبردی مانند «سلسله‌مراتب فضایی» در هریک از این دو اصل در نظر گرفته شود. باید توجه داشت که مواردی مانند اصل هشتم جریان نوشهرگرایی یعنی «حمل‌ونقل هوشمند» به معضلات ترافیک سواره و پیاده می‌پردازد. هرچند در دوران شهرسازی سنتی ایرانی-اسلامی موضوع حمل‌ونقل به شکل امروزی مطرح نبوده است. اصل چهارم این شهرسازی یعنی انعطاف منطقی نیز انطباق مسائل روز را با مفاهیم این شهرسازی توجیه می‌کند. در این میان ضروری است تدوین راهکارها و اقدامات اجرایی در هماهنگی کامل با ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای ایران، در نحوه به‌کارگیری یافته‌های احیای بافت‌های تاریخی شهرهای ایران مدنظر قرار بگیرد.

۱. این نوشتار در بخش طراحی تنها به تهیه چشم‌انداز منطبق با اصول نوشهرگرایی و شهرسازی ایرانی-اسلامی اشاره دارد. برای طرح نهایی به‌دست‌آمده به رساله مربوط رجوع شود.

جدول ۳ نشان‌دهنده شناسه‌های چهارگانه شهرسازی ایرانی-اسلامی است که به صورت زیر با اصول نوشهرگرایی ارتباط دارند:

شناسه اول با اصول ۲، ۳، ۴، ۶ و ۹ مطابقت دارد: دو عنصر مهم شهر ایرانی-اسلامی یعنی بازار و مسجد سبب ارتباط‌پذیری می‌شد. بدین صورت که ۶۰ تا ۷۰ خانه مسکونی به آسانی به یک مسجد دسترسی داشتند. در کنار مسجد نیز بازاری قرار داشت که کاربری‌های متنوع سازگار با محیط مسکونی را در خود جای می‌داد. کاربری‌های ناسازگار به منظور احترام به ساختار سنتی، جلوگیری از آلودگی و تحقق اصل پایداری در حاشیه قرار می‌گرفتند. خانه‌ها نیز به دو صورت بودند: خانه توانگران در مرکز و خانه تهیدستان در کناره. با وجود این، تعداد زیادی خانه گروهی در مرکز و خانه‌های بزرگ توانگران به دلیل بهای کمتر زمین در کناره‌ها بود که سبب هم‌ترازی این دو رده می‌شد (ریموند، ۱۹۸۴). در نتیجه این امر موجب تحقق اصل مسکن متنوع شد.



شکل ۲. بازار شهر اصفهان و آمیزش آن با مسجد
منبع: سایت نقش‌نگار

شناسه دوم با اصول ۱، ۲ و ۷ تطابق دارد: وحدت فضاها در شهر ایرانی-اسلامی به گونه‌ای بود که به دلیل زیادنبودن فاصله فضاها از یکدیگر، اصل قابلیت پیاده‌روی و در نتیجه ارتباط‌پذیری تحقق می‌یافت. شناسه یگانگی با گوناگونی یا همان وحدت در کثرت به گونه‌ای بود که رشد بافت این شهرها گام‌به‌گام پیش می‌رفت و تنوع بیشتر در تراکم افزایش می‌یافت تا در سطح (بورکهارت، ۲۰۰۹؛ سلیم حکیم، ۱۹۸۶؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷).



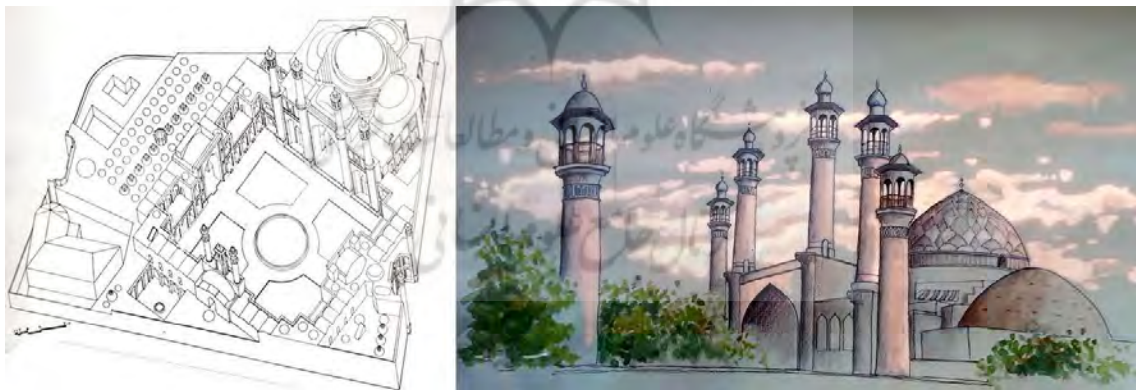
شکل ۳. ارتباط پذیری فضاها در اصفهان، شامل سراها، تیمچه‌ها، راسته‌ها، امام‌زاده‌ها، آب‌انبار، ضرابخانه، مدرسه، بازار و...

منبع: پارسی و منصوری، ۱۳۹۱

شکل ۴. ارتباط پذیری فضاها در کرمان، شامل حمام، کاروانسرا، مساجد، مدارس، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه

منبع: بحرینی، ۱۳۹۱: ۳۲۷

شناسه سوم با اصل ۳ تطابق دارد: در شهرهای ایرانی-اسلامی گاهی گوناگونی فضایی به‌اندازه‌ای بود که سبب ناهمگونی می‌شد؛ مانند قرارگیری مسجد در کنار بازار که تحقق اصل کاربری مختلط و متنوع را در پی داشت (بورکهارت، ۲۰۰۹، ریموند، ۱۹۸۴).



شکل ۵. مسجد و مدرسه سپه‌سالار در یزد

منبع: راندو از یاسمی و پلان از سایت مرجع معماران <http://architects.ir>

شناسه چهارم با اصول ۳ و ۶ مطابق است: فضاها شهر ایرانی-اسلامی به‌سادگی با نیازهای مردم سازگاری دارد و این سازگاری با پویایی همراه است؛ برای مثال این مکان در گذشته علاوه بر کاربرد دینی، کاربرد آموزشی، فرمانروایی، نیکوکاری، بازپروری، پزشکی و حتی سرگرمی و شادمانی را داشت که موجب تحقق اصل کاربری مختلط و متنوع می‌شد. همچنین شکل فضاها تنها پیرو کارکرد نبود و از ساختار سنتی تأثیر می‌گرفت. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که شهرهای تاریخی ایران براساس اصولی شکل گرفته‌اند که امروزه

به شعارهای یکی از مطرح‌ترین نهضت‌های طراحی شهری در جهان (نوشهرگرایی) تبدیل شده‌اند. مقایسه این اصول با ویژگی‌های شهرهای ایرانی، فرضیه تطابق اصول شکل‌دهنده به شهرهای تاریخی ایران و اصول مطرح‌شده در نهضت نوشهرگرایی را تأیید می‌کند. جدول ۳ این انطباق را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.



شکل ۷. مسجد و مدرسه آقابزرگ کاشان
منبع: همان (کروکی از محسن غریبی)



شکل ۶. بازی چوگان در میدان نقش جهان
منبع: خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵

جدول ۳. تطابق اصول نوشهرگرایی با اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی

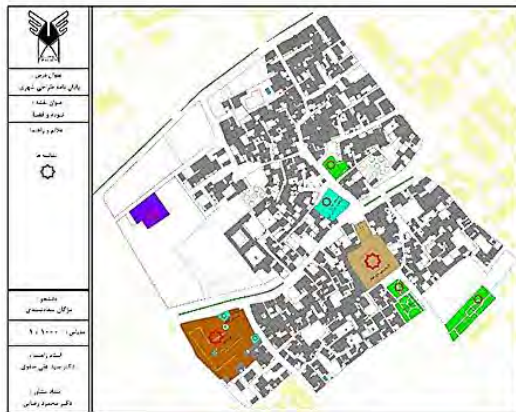
ردء	شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی	نظریه پردازان	اصول نوشهرگرایی	نظریه پردازان
۱	پایداری با عدالت	مارسز، مارسز، ریموند، وبر، برانشوینگ، نقره‌کار	۲. ارتباط‌پذیری و تداوم ۳. کاربری مختلط و متنوع ۴. مسکن‌های متنوع ۶. ساختار سنتی محله‌ها ۹. پایداری	دوانی، پلاتر زیبرک، کالتورپ، سالمون، پولیزوید، مول، مارشال، آرندت
۲	وحدت در عین کثرت	سلیم حکیم، مارسز، بور کهارت، نقره‌کار	۱. قابلیت پیاده‌روی ۲. ارتباط‌پذیری و تداوم ۷. تراکم افزایش یافته	
۳	تضاد در عین تکامل	برانشوینگ، بور کهارت، ریموند	۳. کاربری مختلط و متنوع	
۴	انعطاف‌پذیری منطقی	کوهن، وبر لاپیدوس، کندی	۳. کاربری مختلط و متنوع ۶. ساختار سنتی محله‌ها	

منبع: نگارندگان

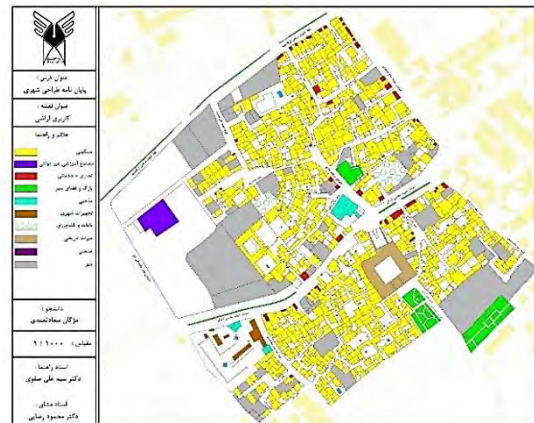
موردپژوهی

مرحله اول: شناخت

محلۀ رباط کهنه در جنوب شهرستان رباط‌کریم در استان تهران قرار دارد که از شمال به بلوار شهید مرتضی ترکاشوند، از جنوب به باغات، از شرق به خیابان شهید حاج جعفری و از غرب به خیابان امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود. مساحت آن نیز حدود ۱۷۵.۰۰۰ مترمربع است.



شکل ۹. نشانه‌های مهم محله رباط کهنه
منبع: همان: ۹۳



شکل ۸. کاربری اراضی محله قدیمی رباط کریم
منبع: سعادت‌مندی، ۱۳۹۵: ۸۷

مرحله دوم: تنظیم بیانیه چشم‌انداز طراحی

براساس اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی و نوشهرگرایی، بیانیه چشم‌انداز طراحی برای مطالعه موردی این پژوهش به صورت زیر تنظیم شده است:

«شایسته است تا محله دارای ساختاری منسجم و پیاده‌مدار بوده که به واسطه وجود عناصر و فضاهای ارزشمند تاریخی ایرانی-اسلامی و امکانات جدید و به‌روز جهان باشد. ترکیب عناصر جدید با سنتی آن مانند مسجد، کاروانسرا، میدانچه و کاربری‌های ایجادشده در بازار (خیابان شهید کمالی) در مرکز محله، تمامی نیازهای ساکنان را پاسخ خواهد داد. با سرمایه‌گذاری در میراث گذشته (مانند کاروانسرای حاج کمال) امکاناتی جدید مانند کلاس‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی درخور ساکنان امروز محله برای تمامی اقشار و سنین تعبیه شود. محله‌ای دارای کاربری‌ها و مسکن متنوع و گوناگون که پذیرای طیف متنوعی از اقشار و سنین بوده و نمودی از رابطه متقابل میان مردم با عناصر ارزشمند ماندگار و حس تعلق بالای ساکنان باشد. اولویت‌دهی به شریان‌های پیاده در بین عناصر با ارزش تاریخی با کف‌سازی مناسب مسیر و محدودکردن عبور وسایل نقلیه تحقق یابد. پلاک‌های افزوده‌شده به بافت همه با احترام به بافت سنتی طراحی شده؛ طوری که محله کهن رباط کریم (رباط کهنه) محله‌ای با هویت تاریخی و معرف تاریخ و فرهنگ ساکنان این شهرستان می‌باشد» (سعادت‌مندی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

مرحله سوم تا پنجم: ارائه راهبردها، سیاست‌ها و پیشنهادهای طراحی

در این مرحله از پژوهش ضمن انطباق اصول نوشهرگرایی با شهرسازی ایرانی-اسلامی، ایده‌هایی از طرح‌های موضعی محله براساس برخی^۱ از اصول نوشهرگرایی ارائه شده است.

۱. به دلیل محدودیت پژوهش حاضر، تنها تعدادی از اصول در جدول ۳ آمده است. برای دستیابی به تمام اصول نوشهرگرایی به سعادت‌مندی، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۳۵ مراجعه شود.

جدول ۴. کاربست اصول نوشهرگرایی و شهرسازی ایرانی-اسلامی در نمونه موردی

ردیف	راهبردها (برگرفته از اصول نوشهرگرایی و شهرسازی ایرانی-اسلامی)	پیشنهادها برای نمونه موردی پژوهش
۱	الف) اصل سلسله‌مراتب در راه‌های شهرهای کهن و در پیشنهادها نوشهرگرایی، اصلی محوری به‌شمار می‌آید. ب) اولویت حرکت پیاده و طراحی مناسب برای تسهیل حرکت او از تلاش‌های نوشهرگرایان است. در شهرهای تاریخی ایران کیفیت حرکت پیاده با تمهیداتی از قبیل تنظیم سایه‌اندازی، جهت‌گیری راه‌ها و سرپوشیده‌کردن برخی قسمت‌های مسیر ارتقا می‌یافت. ج) در نوشهرگرایی استفاده از خیابان نه به‌عنوان محور مواصلاتی صرف، بلکه به‌منزله فضای شهری زنده مدنظر قرار می‌گیرد که عملکردهای تجاری-فرهنگی و در عین حال دسترسی را در خود نهفته دارد.	می‌توان قابلیت پیاده‌روی را با ایجاد پیاده‌روهای جدید، بهسازی و نوسازی پیاده‌روهای گذشته و توسعه پیاده‌روهای جدید ارتقا داد تا جذابیت مسیر برای عابران پیاده بیشتر شود. با توجه به عریض‌بودن خیابان شهید کمالی می‌توان در لبه‌های تجاری و نشانه‌ها، رواق‌هایی طراحی کرد تا از تداخل حرکت عابران پیاده و آن‌هایی که برای خرید آمده‌اند جلوگیری شود. علاوه بر آن باید مقیاس انسانی مسیر و حداکثر طول قابل پیاده‌روی در مسیرها مورد توجه قرار بگیرد.
۲	الف) در اصول نوشهرگرایی، ارتباط‌پذیری نتیجه شبکه به‌هم‌پیوسته‌ای از دسترسی‌های سواره و پیاده است؛ سلسله‌مراتبی از خیابان‌های کم‌عرض، باریک، کوچه‌ها و بولوارها که امکان دسترسی را به خوبی فراهم می‌کنند. ارتباط‌پذیری در شهرهای ایران به‌کمک گذرهای اصلی بازارها و فضاهای ارتباط‌دهنده مانند میدان، تکیه، حسینیه و حیاط مسجد جامع تأمین می‌شده است. ب) افزایش ارتباط‌پذیری به‌ویژه با توسعه شبکه دسترسی پیاده، رویارویی افراد و افزایش تعاملات اجتماعی را در عرصه‌های شهری افزایش می‌دهد. در محله‌های ایرانی به‌خوبی می‌توان تأثیر ویژگی‌های ارتباط فضایی بر ارتباطات اجتماعی را جست‌وجو کرد. ج) شبکه گسترده دسترسی پیاده، سلسله‌مراتب و کریدورها ارتباط‌دهنده بخش‌ها، محله‌ها و تمام قسمت‌های شهر است. تفاوت ارتباط‌پذیری شهرهای تاریخی با ارتباط‌پذیری در نوشهرگرایی در محدودیت ارتباط‌پذیری در شهرهای ایران است.	می‌توان ارتباط‌پذیری را با ایجاد محور پیاده گردشگری در خیابان شهید کمالی و ارتباط آن با محورهای پیاده محلی و محور شریانی اصلی محله، همچنین ارتباط تمامی این محورها با گره‌های اجتماعی محله افزایش داد.
۳	الف) کاربری‌های متنوع در پروژه‌های نوشهرگرایی بخش زیادی از نیاز شهروندان را در فاصله ای معقول تأمین می‌کند که به‌راحتی امکان دسترسی پیاده به آن وجود دارد. این تمرکز در محله‌های مسکونی شهرهای ایرانی به‌خوبی قابل مشاهده است. ب) اگرچه تنوع در شهرهای قدیمی با وضعیت امروزه قابل‌قیاس نیست، می‌توان شهرها و محله‌های قدیمی را متنوع و به‌ویژه دارای کاربری مختلط دانست. بازارهای ایرانی علاوه بر داشتن طیف وسیعی از واحدهای ارائه‌کننده کالا و خدمات، بسیاری از فعالیت‌ها، تاسیسات و تجهیزات دیگر را نیز در کنار خود جای می‌دادند. ج) تنوع نه‌تنها در کاربری، بلکه در ارکان تشکیل‌دهنده شهر نیز مدنظر نوشهرگرایان است. تنوع طبقات اجتماعی، گروه‌های سنی، معماری و... از اهداف نوشهرگرایان در طراحی و برنامه‌ریزی شهری به‌شمار می‌آید، اما تنوع در محله‌های شهرهای تاریخی ایران به‌گونه‌ای دیگر صورت می‌گرفت. اگرچه تنوع قومی و نژادی درون مرزهای محله به حداقل می‌رسید، در سطح شهر به‌خوبی مشاهده می‌شد.	کاربری‌های مختلط را می‌توان با ایجاد کاربری‌های ۲۴ ساعته مانند داروخانه در زمین‌های بدون کاربری، همچنین تبدیل مکان کاروانسرا به محلی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و در نظر گرفتن مکان‌هایی برای پارکینگ در لبه‌ها ایجاد کرد. از آنجا که خیابان شهید کمالی یکی از محورهای مهم محله است، پیشنهاد می‌شود بیشتر کاربری‌های جذاب در امتداد این محور ایجاد شوند.
۴	الف) نوشهرگرایان بر تنوع در ایجاد مسکن تأکید دارند. این تنوع در معماری، تراکم، اندازه، طبقات اجتماعی ساکنان و غیره قابل مشاهده است. با وجود این وفاداری به زمینه و توجه به پتانسیل‌های کالبدی و محیطی بافت، تاحدودی این تنوع را محدود می‌کند. ب) اگر از فاصله‌ای دور به شهرهای ایرانی بنگریم، تنوع مسکن به‌دلیل ویژگی درون‌گرای معماری مسکونی مشاهده می‌شود. در گذشته شرایط اقلیمی، فرهنگی و امنیت موجب می‌شد بافت‌های مسکونی ظاهری یکنواخت داشته باشند. ج) ترکیب اجتماعی مدنظر نوشهرگرایان، ترکیبی متنوع از تمام گروه‌های سنی و طبقات اجتماعی است، اما ترکیب اجتماعی در محله‌های قدیمی ایران ماهیتی دوگانه داشت. نخست آنکه ساکنان یک محله ریشه‌ای قومی-قبیله‌ای یا مذهبی یکسانی داشتند. حتی گاهی افراد یک محله را صاحبان حرفه‌ای خاص تشکیل می‌دادند. با وجود این یکسانی، محله‌ها جایگاه زندگی همه طبقات اجتماعی بودند.	با توجه به موارد زیر می‌توان به اصل مسکن مختلط در محله رباط قدیم دست یافت: در نظر گرفتن تسهیلات وام بانکی برای مرمت ساختمان‌های مسکونی با ارزش، طراحی واحدهای آپارتمانی جدید به صورتی که مجاور یکدیگر قرار نگیرند و حداقل سه پلاک ویلایی بین آن‌ها واقع شود و حفظ اختلاط پلاک‌های مسکونی ریزدانه و درشت‌دانه
۵	الف) معماری و طراحی شهری در جنبش نوشهرگرایی با وفاداری به اقلیم، تاریخ و تجربه‌های معماری صورت می‌گیرد. معماری با مقیاس انسانی و هماهنگ با زمینه سبب آرامش و القای زیبایی به بینندگان و استفاده‌کنندگان از فضا می‌شود. وفاداری به اقلیم، تاریخ، مقیاس انسانی و احترام به متن، مهم‌ترین معیارهای شکل‌دهنده معماری و فضاهای شهری در شهرهای تاریخی ایرانی هستند. ب) براساس انگاره‌های نوشهرگرایان، بناها و فضاهای عمومی باید موقعیت و معماری ویژه و هویت‌بخشی داشته باشند. در شهر ایرانی می‌توان غنی‌ترین آثار معماری را در بناهای عمومی مانند مساجد، مدارس و بازارها مشاهده کرد.	به‌منظور دستیابی به این اصل باید ساختمان‌های مغایر با هویت تاریخی محله، به‌تدریج حذف شوند و مصالح نمای ساختمان‌های نوساز با مصالح بافت قدیم و احترام به آن‌ها هماهنگ شود. در نوسازی بندها نیز باید نمای جدید با بافت قدیم مطابق باشد.

نتیجه‌گیری

ارزش‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی با اصول نوشهرگرایی کاملاً منطبق است. نظریه‌هایی که امروزه در شهرسازی جهان کاربرد دارد، در شهرهای سنتی ما نیز استفاده می‌شده است. اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی را می‌توان مانند اصول شهرسازی نوین (مثلاً نوشهرگرایی) به صورت پویا در نظر گرفت و آن را تنها با محدودیت‌های زمانی یا مکانی بررسی نکرد. استفاده آگاهانه از اصول جدید در کنار ارزش‌های سنتی و تکامل آن‌ها با نگاه نو و فهم وسیع بستر مناسبی برای توسعه شهرهای امروزی ایران فراهم خواهد کرد.

جدول ۵. تطابق اصول نوشهرگرایی با اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی

رده	شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی	اصول نوشهرگرایی	راهبردها، سیاست‌ها و پیشنهادهای موردی
۱	پایداری با عدالت	۲. ارتباط‌پذیری و تداوم ۳. کاربری مختلط و متنوع ۴. مسکن‌های متنوع ۶. ساختار سنتی محله‌ها ۹. پایداری	۲. ایجاد محور پیاده‌گردشگری و ارتباط میان تمامی محورها با گره‌های اجتماعی محله ۳. ایجاد کاربری‌های ۲۴ ساعته، در نظر گرفتن مکان‌هایی برای پارکینگ در لبه‌ها، استفاده از مکان کاروانسرا برای فعالیت‌های گوناگون ۴. در نظر گرفتن تسهیلات وام بانکی برای مرمت، طراحی واحدهای آپارتمانی جدید، حفظ اختلاط پلاک‌های ریزدانه و درشت‌دانه ۶. ایجاد مرکز محله‌ای سرزنده در فضای جلوی مسجد و کاروانسرا، مرمت ساختمان‌های باارزش و ثبت آن‌ها در فهرست میراث فرهنگی ۹. ساخت پیاده‌روهایی مناسب و جذاب و تشویق ساکنان به پیاده‌روی، افزایش تراکم به منظور کاهش فاصله‌ها، استفاده از مصالح بومی و قابل بازیافت، استفاده از پوشش گیاهی مناسب، تبیین سیاست‌های لازم برای جداسازی زباله‌های قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت
۲	وحدت در عین کثرت	۱. قابلیت پیاده‌روی ۲. ارتباط‌پذیری و تداوم ۷. تراکم افزایش‌یافته	۱. ساخت پیاده‌روهایی جدید و بهسازی و نوسازی پیاده‌روهایی موجود، افزایش جذابیت مسیر برای عابران پیاده و توجه به مقیاس انسانی و حداکثر طول قابل پیاده‌روی ۲. ایجاد محور پیاده‌گردشگری، ایجاد ارتباط میان تمامی محورها با گره‌های اجتماعی محله ۷. ایجاد کاربری‌های تأمین‌کننده خدمات روزمره در محدوده محله، افزایش تراکم به منظور کاهش فاصله‌ها
۳	تضاد در عین تکامل	۳. کاربری مختلط و متنوع	۳. ایجاد کاربری‌های ۲۴ ساعته، در نظر گرفتن مکان‌هایی برای پارکینگ در لبه‌ها و استفاده از مکان کاروانسرا برای فعالیت‌های گوناگون و متنوع
۴	انعطاف‌پذیری منطقی	۳. کاربری مختلط و متنوع ۶. ساختار سنتی محله‌ها	۳. ایجاد کاربری‌های ۲۴ ساعته، در نظر گرفتن مکان‌هایی برای پارکینگ در لبه‌ها و استفاده از مکان کاروانسرا برای فعالیت‌های گوناگون و متنوع ۶. ایجاد مرکز محله‌ای سرزنده در فضای جلوی مسجد و کاروانسرا، مرمت ساختمان‌های باارزش و ثبت آن‌ها در فهرست میراث فرهنگی

منبع: نگارندگان

برنامه‌ریزی برای بافت‌های تاریخی شهرهای سنتی ایران مانند محله قدیمی رباط‌کریم باید با توجه به عناصر و فضاهای ارزشمند تاریخی ایرانی-اسلامی و امکانات جدید و به‌روز جهان باشد. بهره‌گیری از اصول شهرسازی نوین با احترام به شرایط بومی و اصول پایدار ایران نیز می‌تواند بستر ارائه راهبردها، سیاست‌ها و پیشنهادهای طراحی محله‌های این مرزوبوم را فراهم کند. اصولی مانند نوشهرگرایی که امروزه در سطح طراحی و برنامه‌ریزی شهرها در جهان مطرح می‌شود، از سال‌های گذشته در توسعه شهرهای سنتی ایران کاربرد داشته است. اصول شهرسازی سنتی ایرانی با اصول نوین شهرسازی جهانی سازگاری زیادی دارد. امروزه کاربرد این اصول برای حل مشکلات محله‌های فعلی ایران بسیار

ضروری است. البته باید مطالعات شهرسازی در حوزه جهانی صورت بگیرد و از مبانی شکل‌گیری شهرهای ایران زمین غفلت نشود.

نهضت نوشهرگرایی نهضت جهانی طراحی و برنامه‌ریزی شهری است که با تأکید بر توسعه درونی شهر و مراکز قدیمی شهرها، خواهان بازگشت به ارزش‌های سنتی شهرهاست. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد کاربست اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی نباید در فرایند احیای بافت‌های تاریخی ما مورد غفلت قرار بگیرد. در این میان، به‌کارگیری مبانی نظری در عمل و در گسترش پویای بنیان‌های نظری، از مسئولیت‌های عظیم شهرسازان ایرانی است.

منابع

۱. آرندت، رندال، ۱۳۸۷، **منشور نوشهرگرایی**، ترجمه علیرضا دانش و رضا بصیری مژدهی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲. بحرینی، حسین، ۱۳۹۱، **فرایند طراحی شهری**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. بمانیان، محمدرضا، ۱۳۹۳، **معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی - اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها**، شهر پایدار، دوره اول، شماره ۱، صص ۶۹-۸۸.
۴. **طرح هادی شهر رباط کریم**، ۱۳۹۰، شهرداری رباط کریم.
۵. حبیبی، محسن، تحصیلدار، علیرضا و نوید پورمحمدرضا، ۱۳۹۰، **شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی**، مسکن محیط و روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۵، صص ۳-۲۲.
۶. حسنی، علیرضا و پریسا روشنی، ۱۳۸۹، **نوشهرگرایی رویکردی جدید در طراحی و برنامه‌ریزی شهری**، ماهنامه آموزشی سازمان نظام‌مهندسی ساختمان طاق، مهر و آبان، شماره ۴۲، صص ۵۱-۵۷.
۷. حلمی اسکویی، پیام، ۱۳۸۷، **نحوه مداخله در بافت‌های کهن ایران با توجه به اصول نظریه نوشهرسازی و ارزش‌های بافت سنتی (نمونه موردی: بافت قدیم بوشهر)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهشتی تهران.
۸. لطیفی، غلامرضا، و ندا صفری چابک، ۱۳۹۲، **بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی**، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۳-۱۲.
۹. خلیلی، احمد، ۱۳۸۳، **مباحث عمومی و شهرسازی ایران، تاریخ شهر و شهرسازی**، نشر آزاده، تهران.
۱۰. مدنی‌پور، علی، ۱۳۸۷، **فضاهای عمومی و خصوصی شهر**، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۱۱. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۵، **معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)**، انتشارات راهیان، تهران.
۱۲. نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، **مقدمه‌ای بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، وزارت مسکن، تهران.
۱۳. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۱، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۴. رضایی، محمود، ۱۳۹۲، **ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)**، ماهنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل‌وپنجم، شماره ۳، صص ۱۶۹-۱۹۰.
۱۵. سعادت‌مندی، مژگان، ۱۳۹۵، **طراحی محله مسکونی با رویکرد نوشهرگرایی (نمونه موردی: محله قدیمی رباط کریم)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۶. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۵، **مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، نشر آبی، تهران.
17. AbuLughod, J. L., 1987, **The Islamic City: History Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance**, International Journal of Middle East Studies, Vol. 19, No. 2, PP. 155-176.
18. Arendt, R., 1999, **Charter of the New Urbanism**, Translator: Danesh, A., and Basiri Mozhdehi, R., Pardazesh and Urban Planning Publications, Tehran. (In Persian)

19. American Planning Association, 2000, **Policy Guide on Planning for Sustainability**, NewYork, Available from World Wide Web, Http://APA.Com.
20. Bahreyni, H., 2012, **Urban Design Process**, Tehran University Press, Tehran. *(In Persian)*
21. Bemanian, M., 2014, **Meaning the City of Iranian – Islamic; Theory and Examples of, Sustainable City**, Vol. 1, No. ۱, PP. 69-88. Tehran. *(In Persian)*
22. Blasingame Custer, J., 2007, **New Urbanism and Euclidian Zoning Can They Co-Exist?** University of Georgia.
23. Caves, R. W., 2005, **Encyclopedia of the City**, Routledge, NewYork.
24. CNU (The Congress for the New Urbanism) and HUD (Department of Housing and Urban), 2000, **Principles for Inner City Neighborhood Design**, Publisher: U.S. Department of Housing and Urban Development.
25. Deitrick, Sabina, and Cliff Ellis, 2004, **New Urbanism in the Inner City**, Journal of American Planning Association, Vol. 70, No. 40, PP. 426-442, Http://Planning.Org.
26. Duanny, A., and Zyberk, P., 2010, **The Neighborhood, The District and the Corridor, In Peter Katz, The New Urbanism: Toward an Architecture of Community**, Mc Gtaw Hill, NewYork.
27. **Guide Plan in Robat Karim**, 2011, Municipal Robat Karim. *(In Persian)*
28. Habibi, M., Tahsildar, A., and Pourmohammadreza, N., 2011, **An Explanation of the Principles and Rules of Indigenous Urban Planning in Relation to Contemporary Urban Theories**, Environment and Rural Housing, Vol. 30, No. 135, PP. 3-22. *(In Persian)*
29. Hasani, A., and Roshani, P., 2010, **A New Approach in the Design of New Urbanism and Urban Planning**, Monthly Training Arch Construction Engineering Organization, October and November, No. 42, PP. 51-57. *(In Persian)*
30. Helmi Oskooei, P., 2008, **How Iranian Intervention in the Old Sites According to the Principles and Values of the Traditional Context Nvshrsazy Theory (Case Study: Old Bushehr)**, ShahidBeheshti University, Tehran. *(In Persian)*
31. Hikichi, L., 2003, **New Urbanism and Transportation**, CE 790, University of Wisconsin - Milwaukee.
32. Katz, P., 1994, **The New Urbanism: Toward an Architecture of Community**, Mc Gtaw Hill, NewYork.
33. Khalili, A., 2004, **General and Urban Planners in Iran, History of the City and Urbanism**, Azadeh Publications, Tehran. *(In Persian)*
34. Latifi, Gh., Safari Chabok, N., 2013, **Recreating Neighborhood Concept is Based on the Principles of New Urbanism in the Islamic Iranian Cities**, Journal of Urban Studies, Vol. 2, No. 8, PP. 3-12. *(In Persian)*
35. Madanipour, A., 2008, **Public and Private Spaces of the City**, Translator: Noorian, F., Pardazesh And Urban Planning Publications, Tehran. *(In Persian)*
36. Marshall, S., 2003, **New Urbanism: An Introduction**, Built Environment, Vol. 29, No. 3, PP. 189-192.
37. Moughtin, C., 1999, **Urban Design Method and Techniques**, Publisher: Architectural Press.
38. Naghizadeh, M., 2006, **Islamic Architecture and Urbanism (Theoretical Fundamentals)**, Rahian Publisher, Tehran. *(In Persian)*
39. Noghrekar, A. H., 2008, **An Introduction to the Islamic Identity in Architecture and Urban Development**, Ministry of Housing, Tehran. *(In Persian)*
40. Pirnia, M. K., 1992, **Introduction to Islamic Architecture**, University of Science and Industry, Tehran. *(In Persian)*
41. Rezaei, M., 2013, **World Wide Eternal Values and Islamic Urbanism (Frakalbdy Attitudes and Timeless Representation of the Islamic City)**, Monthly Human Geography Research, Vol. 45, No. 3, PP. 169-190. *(In Persian)*

42. Saadatmandi, M., 2016, **Design Residential Neighborhood of New Urbanism Approach (Case Study: The Old Neighborhood Robot Karim)**, Thesis, Islamic Azad University Central Tehran Branch. *(In Persian)*
43. Soltanzadeh, H., 1986, **Introduction to the History of the City and Urbanization in Iran**, Blue Publishing, Tehran. *(In Persian)*
44. Steuteville, R., 2004, **The New Urbanism: An Alternative to Modern, Automobile Oriented Planning Development**, Publisher: CNU Journal.

